

فرهنگ لغات پر کاربرد نوروز و رمضان

تاپابین بیاید. چند هزار تومن رفته روی قیمت هرچی **سیخ** وسیله ای چندکاره که هم به آن کباب می کشند. هم روی پیک نیک می گیرند و هم به شخصی که حواسش نیست می زنند.

سیر: از سبزیجات بد بو که اگر داغش کنند، خوش بو می شود/ گیاه طعنه زننده به پیاز/ ترشی هفت ساله اش بهترین هم نشین آب گوشت است/ حالتی که شخص روزه دار بعد از افطار به آن می رسد/ بعضی ها نمی شوند

سبزه به در: روز عزای طبیعت/ کباب و تاپ لب آب (اگر کباب و آبی باشد)/ تلخ ترین روز دانش آموزان و آموزگاران

سمنو: خوردنی زشت و بد مزه/ اولین محصول کمپانی اپل (سمنو، آی سمنو) نسل اول آیفون، آپید، آی پام و...

ساعت: زمانی قدیم و جدید می شد، با مخالفت عده ای الان عقب و جلو می شود تا انرژی هدر نرود. **سبزه:** زیر پا سبزشدن در انواع صف ها، از صف نان گرفته تا هواپیما/ در قدیم گره زدنش بخت باز می کرد، ولی اکنون گره زدن درختان یک جنگل هم از پس هزینه های ازدواج بر نمی آید



سرکه: نقدش بهتر از حلوای نسیه است/ انداختنش لیم دارد که باید مراقب بود یک X و Y اشتباه نشود/ بهترین لکه بر وقتی به وایتکس و تیرک، کالا برگ تعلق نمی گیرد

سفره: زیرانداز غذا، اگر مردم چیزی برای خوردن داشته باشند/ زمانی قرار بود نفت را سران بیاورند، ولی حتی بویش هم نیامد/ هر سال کوچک تر از پارسال/ امسال یک طرفش هفت سین می چینند، یک طرفش افطار و سحر می خورند

سکه: عروس خانم وکیلیم؟/ هرکی داره از قبل داشته/ 25 تومانی اش بازار سیاه داشت



سماق: مصلح کباب وقتی افطاری و سحری جایی دعوت هستیم/ مکیدن کارمند و کارگر وقتی منتظر شنیدن دیلینگ پیامک حقوق هستند

سماور: عجایب صنعتی دیدم در این دشت که آتش در میان آب می گشت/ همراه قوری/ اگر با آن چای دیش بسازی، نانت در روغن است

سنجد: جمع کننده لب و لوله/ جیغ های عروسکش روح هر دهه شخصی را خراش می داد/ پسر خاله عناب (ر.ک. سیلی در گوش سرباز راهور)

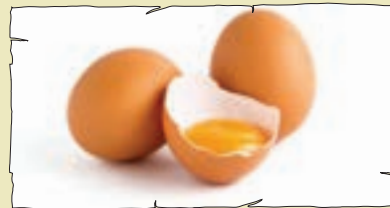
سبب: میوه دهک های آخر/ سرخش نصیب شغال می شود، سبزش نصیب پول دار/ بالا که بیندازی،

آب: از سرکه گذشت، چه یک قسط عقب افتاده، چه صد قسط عقب افتاده/ گل آلودش به درد ماهیگیری و عکس گرفتن مسئولان با پاچه گلی می خورد

آجیل: یادش به خیر/ از آن فقط نخودش مانده است **آینه:** خود شکن، این شکستن خطاست/ هرایرانی یک عکس داخل آینه سفره هفت سین دارد، مثل عکس باکشتی یونانی کیش/ پرکاربردترین وسیله در باشگاه بدن سازی، حتی بیشتر از دمبل/ اگر در آسانسور نباشد، صنعت سلفی ورشکسته خواهد شد



تخم مرغ: ما انه گیمی مرغانه، شما چی گیدی؟ (دیا لوگی از فیلم «باشو، غریبه کوچک» بیضایی)/ زمانی غذای دانشجویی بود و امروز قوت غالب کارمند و کارگر و بیکار/ خودش و شانه اش یک قیمت است



چای: نور چشم روزه دار/ گاهی تنها وسیله پذیرایی دید و بازدید عید/ دیش آن را از ما بهتران می خورند، نم هم پس نمی دهند

زولبیا و بامیه: جذاب مضر/ چاق و لاغر/ زمانی فقط در ماه رمضان رؤیت می شد، الان همیشه هست، ولی کو خریدار؟

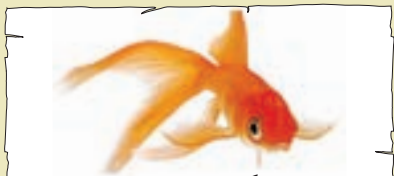


شمع: جانشین لامپ در تابستان که برق نیست و زمستان که گاز نیست/ کاش در کافی شاپ ها روشن کنند تا قلابی را توی چشمان نکیم

شیرینی: هر چیز شیرینی را شیرینی گویند/ در مشهد به نوع نان خامه ای آن نارنجک می گویند/ با این قیمت ها امسال در عید دیدنی، فقط نوع مربایی اش را خواهیم دید

عیدی: تو دیگه بزرگ شدی/ در گذشته می دادند و می گرفتند/ پس اندازشونده توسط بابا که دیگر دیده نمی شد

ماهی: به فرموده بزرگان باید به جای گوشت قرمز بخوریم/ هروقت از آب بگیرند، باز هم نمی توانیم بخوریمش/ نفهمیدیم بالاخره سر سفره هفت سین بگذاریم، نگذاریم، توی استخر ولش کنیم، نکنیم، چی؟



فتو فیلم ۱

امیر حسین پنجه باشی

نقی، مطمئنی توی این قسمت که می خوان بخش کنن، من هم هستم؟ اینجا داخل کتا کنور که پایتخت ۱ زده، من نیستیم.

نقی، مطمئنی می تونی ببری کشتی رو؟ آگه ببری، بهت مجوز واردات خودرو میدن ها.

آره بابا، خیالت راحت، نگاه کن، الان اون شبکه داره قسمت داعش رو نشون می ده، ببین چطور می زنمشون.

بابا! اسحاق! امسال به مناسبت ماه رمضان و عید نوروز همه سریال های تکراری را پخش کردند. الا ما! دستور چیست؟

ای کیان! به یار انمان بگو که خود را آماده کنند که چند سال آینده محرم و صفر و چهارشنبه سوری با هم تداخل دارد. در بخش آن زمان می ترکانیم و انتقامان را می گیریم.

نه، نگاه کن، اون شبکه دیگه پایتخت ۵ رو نشون می ده، هستی، گفتن که همه چچه ها رویارین، احتمالا هستی.

نقی، بالاخره پخش ما ممکنه به روزی تموم بشه؟ نمی دونم، به خدا، خسته شدم.

چی می گی نقی؟! باز دوباره قراره ما رو پخش کنن؟ آقا قول کن، من دیگه نمی آم.

خدا یا نقی و اسطرور از دست داعش، و بینندگان صدا و سیما را نیز از دیدن هر ساله ما نجات بده.

الهی آمین.

یا خود خدا! باز پیام اومده که بیایم صدا و سیما، می خوان نشونمون بدن!

آقای به من چه؟ فقط فرار کن. یوزار سیف اون شبکه شروع شده، ازش می خوام برامون دعا کنه.

تیر بخورم، بیمرم.

صفحه ۱۸
۲۶ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۱۰۰

